

کشف حجاب؛ تمدن بیگانه یا اسلام‌ستیزی شاهانه

فاطمه صوفی آبادی

تهاجم فرهنگی علیه ملت ما مشخصاً از دوران رضاخان شروع شد. البته قبل از او مقدمات تهاجم فراهم شده بود. قبل از او کارهای فراوانی کرده بودند و روشنفکرهای وابسته را در داخل کشور ما کاشته بودند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

♦ کشف حجاب، بخشی از مأموریت رضاخان در راه اسلام‌ستیزی

سیاست، اقتصاد و فرهنگ پایه‌های حیات اجتماعی یک کشور را تشکیل می‌دهند. استعمار به ویژه در وجوه فرهنگی تلاش‌های زیادی برای هویت‌زدایی از ملت‌های تحت استعمار انجام داده است. که تلاش برای تغییر پوشش مردان و زنان جامعه اسلامی از آن جمله است. پیشرفت تمدن غربی و واپس‌ماندگی ایران در زمان قاجاریه این تفکر را در اذهان جمعی از

روشنفکران غرب‌زده به وجود آورد که علت پیشرفت آنها و عقب‌ماندگی ما در نوع فرهنگ سنتی می‌باشد که نمود ظاهری آن پوشاک است. بنابراین افرادی چون میرزا آقاخان کرمانی، آخوندزاده و میرزا ملکم‌خان که عوامل خودفروخته استعمارگران بودند، فرهنگ سنتی از جمله حجاب را مورد هجوم همه‌جانبه قرار دادند.

این تکاپوی استعماری پس از مشروطه و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شدت گرفت. همسویی اندیشه‌های عده‌ای از رهبران مشروطه با سیاست‌های دولت انگلیس و بی‌توجهی آنان به آرمان‌های آزادی‌خواهانه مردم، راه را برای آغاز مجدد فعالیت‌های بیگانگان هموار ساخت. کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را می‌توان نقطه عطفی در روابط سیاسی ایران و انگلیس دانست چرا که با انقلاب ۱۹۱۷، سلسله قاجار از حمایت روسیه محروم شد و هنگام آن رسیده بود که رقیب دیرینه او، انگلیس بدون نیاز به تقسیم منابع با رقیب به تدریج حضور گسترده خود را در ایران بیش از پیش تثبیت نماید.^۱

یکی از اهداف کودتای ۱۲۹۹ تغییر هویت فرهنگی - دینی ملت ایران بود که پس از تثبیت رژیم کودتا و به قدرت رسیدن رضاخان با شدت بیشتری دنبال شد. رضاخان هنگامی که به سلطنت رسید بنا را بر آن گذاشت تا مسیر فرهنگ، رسوم، آیین، تاریخ و معماری کشور را به میل اربابان استعمارگر خود تغییر دهد. وی در ابتدای سلطنت و قبل از آن خود را پایبند به اصول مذهبی نشان می‌داد، در عزاداری‌ها شرکت می‌کرد، به اماکن مذهبی می‌رفت و کمک‌هایی می‌نمود.

در مجموع موضع‌گیری رضاخان را در برابر مذهب می‌توان به دو دوره تقسیم کرد، دوره اول دوران فعالیت وی به عنوان وزیر جنگ و نخست‌وزیری می‌باشد که مرحله تظاهر به دینداری است و دوره دوم از انقراض سلسله قاجاریه آغاز می‌شود و شامل دوران مخالفت علنی وی با روحانیت و مذهب است که جریان‌هایی چون واقعه قم (ضرب و جرح شیخ

۱. خاندان پهلوی به روایت اسناد، به کوشش فرهاد رستمی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴، ج

محمدتقی بافقی و حبس ایشان)، قتل حاج آقا نورالله اصفهانی و سوء قصد به مدرس در سال ۱۳۰۶، کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ و کشتار مخالفان کشف حجاب و تغییر لباس در مشهد، در آن مرحله به وقوع پیوست.

امام(ره) از ریاکاری رضاخان پیش از سلطنت این‌گونه یاد می‌کند:

رضاخان بعد از اینکه کودتا کرد و آمد تهران را گرفت، به صورت یک آدم مقدس اسلامی خدمتگزار به ملت در آمد. حتی در جلسه‌هایی که در محرم انجام می‌گرفت، در تکیه‌های زیادی که در تهران بود آن وقت، می‌گفتند او می‌رود و شرکت می‌کند و دستجاتی که از نظامی‌ها در تهران بیرون می‌آمد، من خودم دیده‌ام.^۱

گرایش‌های مذهبی رضاخان به جز در مواقعی که مصلحت وی و اربابانش ایجاب می‌کرد همواره سیر نزولی داشت و وی پس از تثبیت قدرت، چهره ضد مذهب خود را نشان می‌دهد. یکی از اسناد سیاست دوگانه رضاخان مربوط به سخنرانی وی در مراسم تاجگذاری‌اش می‌باشد، وی در آن مراسم می‌گوید:

... اولاً توجه مخصوص من معطوف حفظ اصول دیانت و تشییع مبانی آن بوده و بعدها نیز خواهد بود زیرا که یکی از وسایل مؤثر وحدت ملی و تقویت روح جامعه ایرانی را تبعیت کامل از اساس دیانت می‌دانم.^۲

به دنبال آن، نقشه‌های وی برای کاستن تمایلات دینی در خانواده‌های ایرانی و از بین بردن قدرت معنوی علما و روحانیون به منظور نابودی اتحاد ملت ایران و نفوذ هر چه بیشتر جهانخواران آغاز شد، در عین حال همسایگان ایران یعنی ترکیه و افغانستان نیز مطابق سیاست‌های از پیش تعیین شده استعماری در همین مسیر گام بر می‌داشتند و شاه خواهان همراهی با آنان بود.

ساختار سیاسی - نظامی رژیم بر محورهای دیکتاتوری، ناسیونالیسم و غرب‌گرایی قرار

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۲۸.

۲. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، ناشر، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۸.

داشت. دیکتاتوری رضاشاه به استبداد مطلق انجامید و مانع از رشد فرهنگی مردم شد. ناسیونالیسم رژیم تهی از هرگونه محتوای استعمارستیزانه بود و تبلیغات ناسیونالیستی بر خلاف ادعای رضاخان هرگز در نیل به وحدت ملی موفق نبود. غرب‌گرایی رژیم و سیاستگذاران فرهنگی در واقع تقلید از برخی ظواهر غرب بود و به بسیاری از مسائل مانند دموکراسی، اهمیت نقش پارلمان و آزادی مطبوعات و برخی دیگر از پدیده‌های غربی که با وجود برخی زیان‌ها دارای فوایدی نیز بودند، توجه نمی‌شد.

♦ روشنفکران غرب‌زده؛ همگامان رضاشاه

یکی از راه‌های آماده‌سازی مردم برای کشف حجاب در ایران نشر افکار اروپایی بود و این کار از راه‌های مختلفی صورت می‌گرفت. گاه غربی‌ها در نوشته‌های خود انتقاداتی از حجاب می‌نمودند و گاه ایرانیانی که به شکل‌های مختلف به غرب علاقه‌مند می‌شدند اندیشه‌های غربیان را در میان ایرانیان مطرح می‌کردند. رژیم رضاشاه ماحصل تلاش‌های منورالفکران تندرو پس از مشروطه بود. آنان به دنبال اجرای برخی شیوه‌های حکومت غربی شامل سکولاریسم و قضاوت بر اساس معیارهای دنیای مدرن بودند و چنین حاکمیتی با سلطنت پهلوی در ایران انجام پذیرفت و غرب‌زدگان و استعمارگران را به آرزوی خود رساند. حکومت با هرگونه گرایش مذهبی مخالف بود و برخی از مقامات مسئول نیز مخالف اسلام بودند؛ عبدالحسین تیمورتاش، علی‌اکبر داور و نصرت‌الدوله فیروز از جمله افراد بی‌اعتقادی بودند که همگام با رضاخان مقدمات کشف حجاب را فراهم می‌کردند.

کار مهم‌تری که تیمورتاش در صدد آن بود و آمدن پادشاه افغانستان راه آن را هموار می‌کرد، قبولاندن کشف حجاب زنان و تغییر لباس مردان به رضاشاه بود. در این کار به وسوسه‌های مخبرالسلطنه و دیگران که از واکنش مردم مسلمان و معتقد نگران بودند واقعی نمی‌نهاد. شاه هم کم‌کم داشت نرم می‌شد. امور فرهنگی از جمله مشغولیات مهم تیمورتاش بود. برپا داشتن کنسرتی عمومی که برای نخستین بار زنی در آن با لباس

باز بخواند، برپا داشتن گاردن پارتی‌ها و مجالس جشن، سینما و اپرتها از جمله این اقدامات بود. در این کار تنها زنی که وی را همراهی می‌کرد ایران دخترش بود که بی‌پروا گیسوان خود و لباس‌های خوش‌بوخت خود را به نمایش گذاشته بود و در مراسم رسمی حضور می‌یافت.^۱

اکثر روشنفکران در آن دوره موافق کشف حجاب بودند، از جمله ابزارهای ترویج بی‌حجابی استفاده از ادبیات منظوم بود. در این زمینه شعرای نوگرا و متجدد اشعار زیادی در ستایش کشف حجاب سرودند، با تمسخر حجاب و استفاده از تعبیری چون «کفن سیاه» سعی در نشان دادن حجاب به عنوان عامل نابودی جامعه ایرانی داشتند. سرودن شعر در نفی حجاب از ایرج میرزا، میرزاده عشقی و عارف قزوینی شروع می‌شود و پس از کشف حجاب رسمی به دستور رضاشاه برخی دیگر از شعرا در این زمینه اشعاری سرودند.

♦ ورود اندیشه‌های ضد حجاب از مصر، هند و افغانستان به ایران

از راه‌های ورود اندیشه‌های مخالف با حجاب تا رسیدن به کشف حجاب، اندیشه‌ها و تجربه‌هایی است که از طریق کشورهای عربی وارد ایران شده است و پایه و اساس آن نیز برگرفته از اندیشه‌های اروپایی است، در این زمینه نشر افکار مصری‌ها که زودتر از سایر کشورهای عربی با غرب آشنا شدند جدی‌تر از سایر کشورها می‌باشد.

تحقیقا می‌توان گفت که بحث از آزادی زنان، پیش از آنکه در ایران طرح شود، در مصر مطرح شد و به تدریج در سایر کشورهای عربی نفوذ کرد. دلیل این امر چنان بود که مصر زودتر از دیگر مردمان شرقی اعم از عرب و ایرانی، با غرب، به ویژه با افکار فرانسوی‌ها آشنا شد. در این مورد به خصوص نخستین فردی که این مسائل را به طور گسترده مطرح کرد، قاسم امین (۱۸۶۳ - ۱۹۰۸م) بود که کارش را با تألیف کتاب «تحریر

المرأة» آغاز کرد. قاسم امین تحصیلکرده پاریس بود و افزون بر آنکه در عصر اصلاح‌گری در مصر تربیت شده و شاگردی یکی از رهبران اصلاح‌طلب یعنی شیخ محمد عبده را کرده بود، تحصیل در فرانسه، می‌توانست تأثیر خاص خود را بر او گذاشته باشد... امین بر این باور بود که زنان تا وقتی محجبه هستند، پیشرفت نخواهند کرد.^۱

قاسم امین کتب بسیاری در رد حجاب نگاشت و با ترجمه و انتشار برخی از آن کتب، ایرانیان با افکار وی آشنا شدند و عده‌ای از آن استقبال کردند. از دیگر راه‌های نشر اندیشه‌های مربوط به کشف حجاب ورود اندیشه‌هایی از هند به ایران بوده است که از طریق نشریاتی از قبیل «حبل‌المتین» که حاوی مقالاتی درباره لزوم کشف حجاب بود، صورت می‌گرفت. علاوه بر آن کشف حجاب در افغانستان در سال ۱۳۰۷ش نیز زمینه‌های گرایش متجددان را به این موضوع فراهم می‌کرد. با مسافرت امان‌الله خان، امیر افغانستان به ایران سیاست فرهنگی جدید علنی‌تر گردید. امان‌الله خان به دنبال سفر اروپایی خود همراه با همسرش و هیأت همراه با لباس اروپایی و بدون چادر در میهمانی‌هایی در ایران شرکت می‌کردند و در بازگشت به افغانستان نیز با لباس و کلاه اروپایی از شهرهای ایران عبور کردند.

♦ زمینه‌سازی کشف حجاب

از مدتها قبل از آغاز رسمی کشف حجاب رضاخان، عوامل وی اقداماتی برای زمینه‌سازی آن انجام داده بودند و به دنبال سفر ترکیه آن اقدامات جنبه جدی‌تری به خود گرفت. یکی از نمایش‌هایی که با همین هدف در ۱۷ تیر ماه ۱۳۰۵ از سوی «جمعیت تمدن نسوان» اجرا شد، تئاتری با عنوان «تمدن نسوان» بود که دست‌اندرکاران آن قصد

داشتند تا زیر پرده این‌گونه نمایش‌ها، حضور زنان در مجالس عمومی را عادی جلوه داده و آنان را برای بی‌حجابی ترغیب کنند، که البته چاپ خبر اجرای این نمایش در روزنامه‌ها باعث شد تا علمای عالی‌قدری چون سید حسن مدرس، سید محمد بهبهانی، میرزا هاشم آشتیانی، نامه اعتراض‌آمیزی به رئیس‌الوزرا «مستوفی‌الممالک» نوشته خواستار جلوگیری از پخش نمایش شدند.^۱

در سال ۱۳۱۳ با اجازه رضاشاه «کنگره اتحاد زنان شرق» با حضور نمایندگان ده کشور از جمله ژاپن، ترکیه، هند، سوریه و مصر در تالار مسعودیه (تالار وزارت فرهنگ) تشکیل شد. در این کنگره درباره پیشرفت‌های زن‌های اروپایی، محرومیت‌های زنان در کشورهای اسلامی و لزوم انجام اقداماتی از سوی زنان روشنفکر بحث و گفتگو شد. مخبرالسلطنه درباره آثار آن کنگره می‌نویسد:

پس از تشکیل کنگره نسوان شرق، متأسفانه خانم‌ها پرده کنگره را دریدند و سراسیمه در میدان هوا و هوس دویدند، مسکری نماند که نخوردند و منکری نماند که نکردند.^۲ با روی کار آمدن فروغی به جای مخبرالسلطنه از ۲۱ شهریور ۱۳۱۲ سیاست‌های تجدیدگرایانه با سهولت بیشتری دنبال شد. نه ماه بعد از آن سفر رضاخان به ترکیه صورت گرفت. رضاشاه در ادامه از علی‌اصغر حکمت، وزیر معارف، می‌خواهد که اقداماتی در زمینه کشف حجاب انجام دهد:

سابقاً به کفیل معارف دستور دادم برای رفع رو پوشیدن زنان اقدام نماید. اما او نخواست یا نتوانست و کاری نکرد. حالا باید شما در این کار با کمال متانت و حسن

۱. مهین نوری، مروری بر کودتای سیاه، تهران، مهین نوری، ۱۳۷۷، ص ۸۶.

۲. مهدیقلی هدایت، خاطرات و خطرات «توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من»، تهران، کتابفروشی زواره، ۱۳۶۳، ص ۵۱۱.

تدبیر اقدام کنید که این رسم دیرین، که بر خلاف تمدن است، از میان برداشته شود.^۱ حکمت در اردیبهشت ۱۳۱۴ تعدادی از بانوان تحصیلکرده را گرد هم آورد و با تشکیل «کانون بانوان» قدم دیگری در اجرای کشف حجاب برداشته شد. در جلسات آن کانون که اغلب با حضور شمس و اشرف پهلوی تشکیل می‌شد مشکلات مربوط به عدم پذیرش ترک حجاب از سوی جامعه مورد بررسی قرار می‌گرفت.

بدرالملوک بامداد یکی از اعضای کانون بانوان در کتاب خود می‌نویسد:

در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴ به اشاره اعلی‌حضرت رضاشاه کبیر و با دعوت وزیر معارف وقت آقای علی‌اصغر حکمت، عده‌ای از زنان فرهنگی انتخاب و به محل دارالمعلمیات در کوچه ظهیرالاسلام دعوت شده به آنها گفته شد که مأموریت دارند تا جمعیتی تشکیل بدهند و اساسنامه آن را به وزیر معارف برسانند و با حمایت دولت پیشقدم نهضت آزادی زنان ایران باشند. این جمعیت در جلسات بعد نام «کانون بانوان» را برای خود اختیار کرد.^۲

برنامه‌های علی‌اصغر حکمت، وزیر معارف دوران رضاشاه، از مخرب‌ترین برنامه‌ها در راه اسلام‌ستیزی بود. وی طرح‌هایی که شامل برپایی جشن در مدارس دخترانه و ایراد سخنرانی در آن جشن‌ها، حضور وزرا و مقامات در مجالسی با شرکت بانوان در شهرستان‌ها، تأسیس کانون بانوان و فعالیت زنان تحصیلکرده در آن کانون‌ها و مختلط نمودن مدارس ابتدایی بود، پس از موافقت رضاشاه به اجرا در آورد.

◆ کشف حجاب، سوغات ترکیه

از مهم‌ترین عوامل حرکت مقامات کشور به سوی کشف حجاب تحولات ترکیه بود. اخبار تجددگرایی در ترکیه و به قدرت رسیدن تجددگرایان به داخل کشور می‌رسید و رضاشاه

۱. علی‌اصغر حکمت، سی‌خاطره از عصر فرخنده پهلوی، تهران، وحید، ۱۳۵۵، ص ۸۸.

۲. بدرالملوک بامداد، زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۸، ص ۸۹.

تأثیرات بسیاری از آن می‌گرفت. در سال ۱۳۱۳ رضاخان به ترکیه مسافرت کرد، وی تا سال ۱۳۱۴ اقدامات وسیع تبلیغاتی به منظور فراهم نمودن زمینه‌های کشف حجاب انجام داد. ... رضاشاه در جریان اصلاحات اجتماعی خود، خود را پیوسته در عمل با آتاتورک مقایسه می‌کرد، زمانی که به دیدن ترکیه رفت، با احساس اسف از واپس‌ماندگی ایران برگشت و به اقدامات تند و تیزی برای وارد کردن شاپو و برداشتن چادر اقدام نمود، روش هیأت حاکمه ترکیه حتی در زمان قاجار نیز تأثیر زیادی در روش هیأت حاکمه ایران داشت.^۱

عیسی صدیق با تأکید بر اینکه عاملی که رضاشاه را مصمم به اقدام جهت کشف حجاب کرد، سفر ترکیه بود، درباره عکس‌العمل وی و اظهاراتش به مستشارالدوله صادق (سفیر ایران در ترکیه) راجع به مشاهداتش در ترکیه یعنی حشر و نشر مرد و زن در آن کشور و اشتغال زنان ترک می‌نویسد:

شبی بعد از ضیافت رسمی، وقتی شاه به محل اقامت خود مراجعت کرد تا پاسی از شب خوابید و قدم می‌زد و فکر می‌کرد... و به مستشارالدوله گفت: من تصور نمی‌کردم ترک‌ها تا این اندازه ترقی کرده و در اخذ تمدن اروپا جلو رفته باشند. حالا می‌بینیم که ما خیلی عقب هستیم، مخصوصاً در تربیت دختران و بانوان و فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم مخصوصاً زنان اقدام کنیم.^۲

در نشریات خارجی نیز اشاراتی به تأثیرپذیری رضاشاه از اقدامات آتاتورک و تحولات ترکیه شده است. نشریه «بیرمنگام پست» در تاریخ ۲۹ مه ۱۹۳۵ (۷ خرداد ۱۳۱۴) می‌نویسد: شاه ایران به پیروی از ترکیه تجدد و اصلاحات را در کشور خود آغاز کرده است.^۳ نشریه «نیوز ریویو» در تاریخ ۵ اوت ۱۹۳۷ (۱۴ مرداد ۱۳۱۶) اشاره مستقیمی به پیروی

۱. احسان طبری، *اوضاع ایران در دوران معاصر*، ۱۳۶۵، ص ۱۰۶.

۲. عیسی صدیق، *یادگار عمر*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵، ج ۲، ص ۳۰۵.

۳. فتح‌الله نوری اسفندیاری، *رستاخیز ایران*، تهران، سازمان برنامه، ص ۷۱۶.

رضاشاه از اقدامات آتاتورک می‌کند:

با آنکه رضاشاه خواندن و نوشتن نمی‌دانست به همسایه خود آتاتورک اعتقاد عجیبی داشت و با دیده تحسین به او می‌نگریست.^۱

کاتم درباره تأثیرات آتاتورک بر رضاشاه می‌نویسد:

ناسیونالیسم رضاخان به ناسیونالیسم آتاتورک شباهت داشت و این دو رژیم از بسیاری جهات همانند بودند. رضاخان عمیقاً دیکتاتور ترکیه را تحسین می‌کرد و بسیاری از اصلاحات اجتماعی انجام‌شده در ترکیه را عیناً در ایران پیاده کرد.^۲

محمود جم (نخست‌وزیری که کشف حجاب رسمی در زمان او صورت گرفت) درباره دستورات رضاشاه در مورد آن می‌گوید:

... اعلی‌حضرت رو در روی من ایستاده و فرمودند: این چادر چاقچورها را چطور می‌شود از بین برد؟ دو سال است که این موضوع فکر مرا به خود مشغول داشته؛ از وقتی که به ترکیه رفتم و زن‌های آنها را دیدم که پیچه و حجاب را دور انداخته و دوش به دوش مردها کار می‌کنند دیگر از هر چه زن چادری بود بدم آمده‌است اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم ما است، درست حکم یک دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط به آن بیشتر زد و از بینش برد.^۳

محمود جم به رضاشاه پیشنهاد می‌کند که در روز افتتاح دانشسرای مقدماتی تهران ملکه و دختران شاه بدون حجاب در کنار وی حضور یابند و بانوان وزرا و رجال نیز به همین شکل در آن مراسم حاضر شوند.

برای برداشتن حجاب بانوان مجالس جشن و سخنرانی ابتدا در تهران و شهرهای شمال ایران و سپس به تدریج در سایر شهرها برقرار می‌گردید ولی پیشرفت زیادی نداشت و اکثریت

۱. همان، ص ۷۵۷.

۲. ریچارد کاتم، *ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران، کویر، ۱۳۷۱، ص ۱۱، ۱۲.

۳. حسین مکی، همان، ج ۶، ص ۲۹۱.

مردم نه تنها استقبالی نمی‌کردند بلکه با نظر تنفر می‌نگریستند. تا روز ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ که شاه به اتفاق ملکه و شاهدخت‌ها در جشن دانشسرای مقدماتی حضور یافتند. در این روز دو اتومبیل سلطنتی که اولی رضاشاه و دومی ملکه تاج‌الملوک و شمس و اشرف پهلوی در آن بودند بدون حجاب وارد دانشسرا شدند.

این اولین دفعه بود که خانواده سلطنتی حجاب از سر برداشته بودند، ملکه دیپلم و جوایز دوشیزگان را توزیع نمودند و رضاشاه در تالار دیگر جوایز و دیپلم فارغ‌التحصیلان پسر را توزیع نمودند. در این دعوت رئیس‌الوزرا [محمود جم] و جمعی از رجال نیز با بانوان خود مشارکت داشتند، تمام محوطه نوبنیاد دانشسرا را دختران پیشاهنگ پر کرده بودند. شاه پس از خطابه‌ای که خانم تربیت ایراد نمود، در نطقی که خطاب به بانوان آموزگار و دوشیزگان فارغ‌التحصیل نمود گفت: بی‌نهایت مسرورم که می‌بینم خانم‌ها در نتیجه دانایی و معرفت به وضعیت خود آشنا شده و پی به حقوق خود برده‌اند. ما نباید از نظر دور بداریم که در سابق نصف جمعیت کشور ما به حساب نمی‌آمد و نصف قوای عامله مملکت عاطل بوده... شما خانم‌ها این روز را یک روز بزرگ بدانید و از فرصت‌هایی که دارید برای ترقی کشور استفاده نمایید... و به تمام معنی مفید به حال مملکت باشید.^۱

رضاخان با این سخنرانی حجاب را عامل بدبختی زنان و کشف حجاب را راهی برای کسب حقوق از دست رفته و عاملی برای ترقی و پیشرفت بانوان خواند و سعی در کتمان نیت واقعی خود یعنی تحقق خواسته‌های استعمارگران، هوسرانی و اسلام‌ستیزی داشت.

در تمام طول سخنرانی شاه، بعضی از بانوان چنان از بی‌حجابی خود ناراحت بودند که رو به دیوار ایستاده و حتی چهره خود را بر نمی‌گرداندند و از گریه خود نمی‌توانستند جلوگیری کنند. از فردای آن روز، بر سر کردن چادر در خیابان‌های تهران ممنوع شد.^۲

در آن دوران روشنفکران و غرب‌گرایان به راحتی کشف حجاب را پذیرفتند، دسته‌ای دیگر که چندان مقید به حجاب نبودند و تحمل اهانت‌های مأموران را نداشتند به تدریج پذیرفتند و رفع حجاب نمودند و گروه سوم که به هیچ عنوان حاضر به برداشتن حجاب خود نبودند خانه‌نشین شدند و برای کارهای ضروری خود شب‌ها دور از چشم مأموران از خانه خارج می‌گشتند.

♦ مأموریت رضاخان، مسخ فرهنگی ملت ایران

از ۱۷ دی ۱۳۱۴ تا اواسط سال ۱۳۱۷ اقدامات شدید انتظامی در کنار اقدامات تبلیغاتی به منظور کشف حجاب انجام شد و رضاخان و دستگاه حاکمه او برای اجرای مأموریت اربابان استعمارگر خود دست به اقدامات خشونت‌باری زدند.

به منظور گسترش کشف حجاب اقدام به افتتاح رقص‌خانه‌ها، مشروب‌فروشی‌ها، مراکز بی‌بندوباری و چاپ مجلات و روزنامه‌ها نمودند. حجاب را در تضاد با علم و هنر و شرکت زنان در فعالیت اجتماعی می‌خواندند و با این تبلیغات موجب انزوای زنان مسلمان و معتقد به حفظ حجاب شدند.

کاری که تیمورتاش هفت سال پیش آغاز کرده بود حالا رضاشاه می‌خواست با کمک نظمیه و به خشونت جلو برد. پالتو بلند بر تن تاج‌الملوک زار می‌زد، فرزندانش هم با آن پالتوهای دراز و کلاه‌های بزرگ که آنها را شبیه خاخام‌های یهودی می‌کرد، کم از او نداشتند. این مراسم را کشف حجاب نام نهادند و محل مراسم دانشسرای دختران بود. از فردایش آژان‌ها که خود زن و دخترهایشان را در خانه پنهان کرده بودند، در خیابان‌ها چادر زن‌ها را می‌کشیدند و هم‌زمان کلاه از سر مردان برداشته می‌شد و تنها کلاه شاپو مجاز بود، سرداری‌ها را قیچی می‌کردند. عبا و عمامه که به کلی ممنوع شد.^۱

از جمله اقداماتی که برای کشف حجاب صورت گرفت جلوگیری از حضور و فعالیت بانوان محجبه در مدارس، حضور اجباری بدون حجاب همسران کارگزاران حکومتی در مراسم‌های مختلف، ممنوعیت راه رفتن افسران ارتش با زنان باحجاب، انعقاد مراسم متعدد از سوی مقامات و مسئولان کشور به منظور حضور بی‌حجاب زنان، ممنوعیت استفاده بانوان محجبه از وسایل مسافرتی از قبیل قطار و وسایل نقلیه درون‌شهری مانند اتومبیل‌ها و درشکه‌ها و جلوگیری از حضور آنان در اماکن زیارتی و مساجد، سینماها، پارک‌ها و سایر اماکن عمومی بود. مخبرالسلطنه هدایت در کتاب خود درباره اعمال خشونت مأموران، مقاومت زنان و تلاش‌های رژیم در راه اسلام‌ستیزی می‌نویسد:

کلاه اجنبی ملیت را از میان برد و برداشتن چادر عفت را، پرده حجاب باقی بود، زن‌ها لباس بلند می‌پوشیدند و روسری بر افکندند و این حجاب شرعی بود. پلیس دستور یافت روسری را از سر زن‌ها بکشد، روسری‌ها پاره شد و اگر ارزش داشت تصاحب، مدتی زد و خورد بین پلیس و زن‌ها دوام داشت، بسیار زن‌ها را شنیدیم که از خانه بیرون نیامدند، امر شد میرزین محل مجالس ترتیب بدهند زن و مرد را دعوت کنند که اختلاط عادی شود...^۱

علی‌اصغر حکمت یکی از چهره‌های سرشناس که خود در جریان کشف حجاب فعال بود درباره تبعات آن می‌نویسد:

بلافاصله بعد از مراسم ۱۷ دی در تهران دو امر پیش آمد که یکی به حد افراط و دیگری به حد تفریط بود. از یک طرف بعضی از زن‌های معلوم‌الحال به کافه‌ها و رقص‌خانه‌ها هجوم آورده و همه در مرئی و منظر جوانان بوالهوس به رقص پرداخته و با آن جوانان به انواع رقص‌های معمول فرنگستان مشغول دست‌افشانی و پایکوبی شدند و از طرف دیگر مأمورین شهربانی و پلیس‌ها در تهران و فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها در شهرها و قصبات مملکت بر حسب دستور وزارت کشور به زنان بی‌خبر مزاحم شده و آنان را به

۱. مهدیقلی هدایت، همان، ص ۴۰۷.

اجبار وادار به کشف حجاب می‌کردند و حتی چادر و نقاب آنان را پاره می‌کردند. این هر دو پیشامد در طبقات اواسط‌الناس و متعصب بسیار تأثیر سوء نمود.^۱

♦ ممنوعیت حجاب بانوان در مدارس

از جمله اقداماتی که برای کشف حجاب صورت گرفت جلوگیری از حضور و فعالیت بانوان محجبه در مدارس بود. این کار با واکنش بسیاری از معلمان، مدیران و محصلان روبه‌رو شد. در شهرهای مذهبی بسیاری از والدین مانع حضور دختران خود در مدارس شدند و عده‌ای از معلمان آمادگی خود را برای استعفا اعلام نمودند. در راستای اجرای کشف حجاب در مدارس وزیرالوزرا محمود جم دستورالعمل‌هایی شامل فعالیت ورزشی دختران و پیشاهنگی در مدارس، تشویق بانوان به منظور ترغیب آنان به بی‌حجابی و... صادر نمود.

۱۴/۱۰/۱۴

محرمانه و مستقیم

رمز شود - برومند

حکومت

نظر به اینکه حسب‌الامر ریاست‌الوزراء باید نسبت به رغبت نسوان به تجدد و تربیت و پیشرفت آنان در ترقی و تعالی کمک و مساعدت‌های اساسی بشود، بنابراین با ارسال سواد حکم جناب آقای رئیس‌الوزراء، دستورالعمل‌های ذیل را مزید ابلاغ می‌نماید که کاملاً رعایت نکات لازمه را نموده، اقدام نمایید.



۱. ر. ک. مرتضی جعفری، واقعه کشف حجاب، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۲۴.

۱) بدوا وسیله معارف در مدارس به عنوان پیشاهنگی و ورزش دختران به طوری که در همه جا اقدام شده، اقدام شود.

۲) به وسیله رؤسای ادارات وسیله تشویق خانم‌ها را فراهم آورده که مجامعی نه به عنوان رفع حجاب بلکه به عناوین دیگر ولی برای همین منظور تشکیل گردد.

۳) وعاظ و پیشوایان محلی را وادار کنید که نتایج حاصله از این منظور را به مردم بفهمانند و ثابت کنند که این عمل نه تنها خلاف مذهب نیست، بلکه روح اسلام از این ترتیب حجاب دور است.

۴) اگر کسی از وعظ‌کنندگان یا غیره مخالفتی یا اظهاراتی برضد کشف حجاب نمایند، فوراً به وسیله شهربانی جلب و تنبیه شود. ۵) خانم‌های رؤسا و مأمورین باید در پیشرفت این موضوع پیشقدم شده و با طرز پسندیده و معقول با ساده‌ترین لباس‌ها به تجدد نسوان کمک نمایند.

۶) این اقدامات باید خیلی عاقلانه و با متانت و بدون اینکه کسی را عفا به کشف حجاب مجبور نمایند، مجری گردد. به وسیله وزارت معارف و اداره شهربانی کل به تمام مأمورین معارف و شهربانی دستورالعمل‌های مقتضی و لازم داده شده است، نتیجه اقدامات و پیشرفت این منظور را مرتباً راپورت نمایید.

والی ایالت خراسان

مواد شرح فوق برای استحضار جناب آقای رئیس‌الوزراء و وزارت داخله تقدیم می‌شود، اقدامات دیگری هم که بعد از وصول دستورهای اخیر شده، بعداً به عرض خواهد رسید.

والی ایالت خراسان

رژیم بیشترین تلاش خود را مصروف دختران در مدارس کرده بود و به اجرای برنامه‌هایی با حضور زنان بی‌حجاب در اماکن علمی نمود. از آنجا که دانش‌آموزان آینده‌ساز هستند و در آن سنین هر چیزی را به خوبی یاد می‌گیرند و فراموش نمی‌کنند، کشف حجاب در مدارس بهترین راه برای رسیدن رژیم به اهداف خود بود.

استخراج تلگراف رضائیه

وزارت داخله

شماره ۳۰ ۱۴/۱۰/۴

ریاست وزراء عصر دوم دی ماه مجلس
پیشاهنگی دبیرستان با حضور عده
کثیری خانم‌ها و وجوه اهالی افتتاح
گردید. حضور خانم‌ها با رعایت ترتیب
تجدد نسوان تأثیری عمیق در حضار
بخشیده. امیدوارم به فاصله کمی



اقداماتی که جریان دارد جنبش تجددخواهان توسعه و تعمیم یابد. کانون بانوان از هفته

آینده شروع به کار خواهند نمود. ۲۳۲

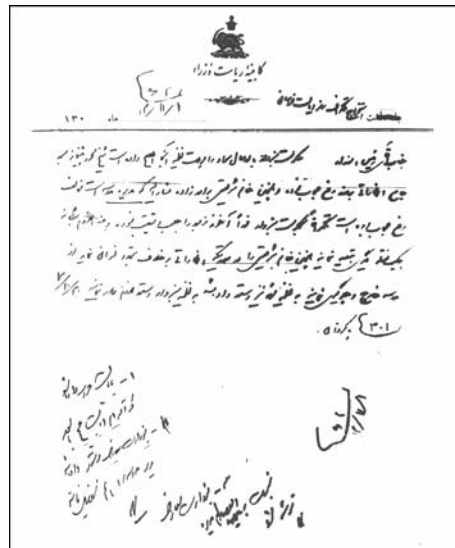
از جمله تلاش‌های دستگاه رضاخانی، ایجاد مدارس نسوان به سبک مدارس اروپایی بود و در این راه عوامل فرانسوی و امریکایی آنان را یاری می‌کردند، اقدام دیگرشان افزایش مدارس مختلط بود تا از این طریق و به بهانه نابالغ بودن دانش‌آموزان، زشتی و قبح ارتباطات زن و مرد و بی‌حجابی را از بین ببرد.

به منظور گرایش دختران مسلمان ایرانی به بی‌حجابی تأسیس مدارس بیگانه گسترش یافت؛ مدارس بهاییان، زرتشتیان، یهودیان، ارمنه و مدارس میسیونری از این قبیل بودند. به جز در مدارس مخصوص ارمنه و زرتشتیان در سایر مدارس، مسلمانان نیز ثبت‌نام می‌شدند و بهاییان امریکایی در مدارس بهایی فعالیت می‌کردند.

استخراج تلگراف رمز ایالت خراسان

جناب آقای رئیس‌الوزراء

حکومت سبزوار با ارسال سواد راپورت نظمیه آنجا اطلاع داده‌است شیخ محمود، پیشنهاد مسجد جامع اظهارتی بر ضد رفع حجاب نموده و همچنین خانم شریعتی برادرزاده مشارالیه که مدیره مدرسه است، مخالف رفع حجاب بوده است. تلگرافاً به



حکومت سبزوار فوراً آخوند مزبور را جلب و تعقیب نموده و عندالزوم شبانه به یک نقطه دیگری تبعید نمایند. همچنین خانم شریعتی را در صورتی که اظهاراتی بر خلاف تجدد نسوان نماید، از مدرسه خارج و جلوگیری نمایند. به نظمیّه مشهد نیز دستور داده شد، به نظمیّه سبزوار دستور لازم صادر نمایند. ۱۴/۱۰/۳۰

پاکروان

کشف حجاب در شهرهای مذهبی همواره با مشکلات بیشتری روبه‌رو بوده و مقاومت زنان و خانواده‌های آنان کاملاً نمایان بود.

به تاریخ ۲ دی ماه ۱۳۱۴
نمره ۱۷۲۲
وزارت داخله

عطف به نمره ۱۶۲۳ صادره از اداره کابینه، معروض می‌دارد که اقدامات لازم به عمل آمده. البته خاطر آن وزارت متبوعه مستحضر است که قم راجع به اجرای این دستور غیر از سایر شهرهاست و باید با کمال حزم و احتیاط شروع به اقدام این موضوع شود و هر روز با رئیس شهربانی مشغول تهیه مقدمات برای اجرای این دستور هستم. امروز هم نظر به اینکه عده خود معلمات در اطراف موضوع مذاکراتی نموده بودند که حاضر برای رفع حجاب نخواهند بود و استعفا می‌دهند و عده آنها بیش از شش نفر نیست و اغلب اهالی هم به واسطه انتشار خبر راجع به رفع حجاب دخترهای خود را از مدرسه بیرون آورده‌اند. جلسه در اداره معارف با حضور شش نفر معلمات و رئیس شهربانی

اشخاصی که دختران خود را از مدرسه خارج کرده‌اند، آنها را به وسایل مختلفه، تعقیب و مجبور نمایند که مراجعت بدهند، که این صورت خوشی نخواهد داشت و اعلانی نیز امروز در یکی از محلات الصاق شده بود که روز کار و فعالیت می‌باشد و به مسلمان‌ها خطاب نموده بود که دختران خود را از مدارس خارج کرده و بر ضد این موضوع باید اقدام نمود که شهربانی مشغول تحقیقات است، به نظر اینجانب عده پاسبانی شهر قم فعلاً برای اجرای این دستور کافی نیست، اگر چه رئیس شهربانی جدا کار نموده و از هیچ نوع اقدامات کوتاهی ندارند ولی برای اینکه در تمام محلات شب و روز باید پست گذاشته شود که مراقب فرد فرد اهالی بود که سوء احترامی متوجه زنی نشود که موجب اخلال جریان کار بشود، لازم است سی نفر بر عده پاسبانی شهر قم اضافه نمایند که از هرگونه پیشامد سوئی جلوگیری شود و از طرفی شهربانی هم، تلگرافا در این موضوع درخواست شده. فدوی به اهمیت این موضوع کاملاً واقف. امیدوارم با کمال ترتیب و نظم دستورات صادره به موقع اجرا گذاشته شود.

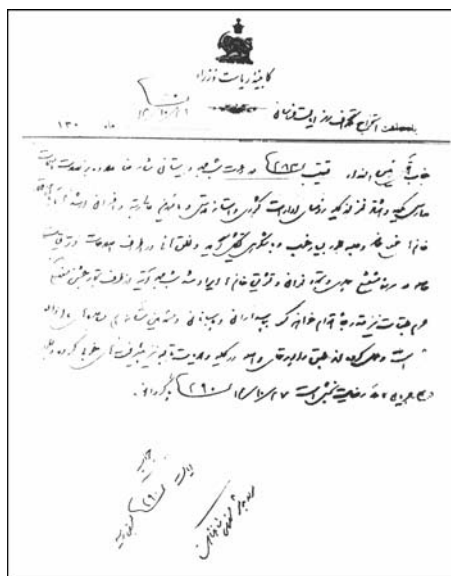
حکومت قم

♦ استفاده از کارگزاران حکومتی در راه کشف حجاب

رضاخان به منظور پیشبرد کشف حجاب از کارگزاران حکومتی استفاده نمود و افسران ارتش از راه رفتن با زنان محجبه خودداری می‌نمودند. کارمندان مجبور بودند با همسران بدون حجاب خود در مراسم و جشن‌های مختلف حاضر شوند و خودداری آنان از انجام این عمل به قطع حقوق و یا اخراجشان منجر می‌شد. اکثر آنان از شرکت در این‌گونه مجالس ناراضی بودند و به بهانه مریض‌داری، مسافرت و... از حضور در مجالس خودداری می‌نمودند. جشن‌های بسیاری در نقاط مختلف کشور برگزار می‌شد و به منظور عملی شدن کشف حجاب برخی از مأموران شدت عمل نشان می‌دادند.

نمره ۶۰ ۱۴/۱۰/۲۸

استخراج تلگراف رمز ایالت خراسان
جناب آقای رئیس‌الوزراء تعقیب نمره
۲۸۳ در دعوت شب جمعه دبیرستان
شاهرضا، علاوه بر معلمات و محصلات
مدارس، یکصد و هشتاد نفر از کلیه
رؤسای ادارات کشوری و آستانه قدس
و مأمورین عالی‌رتبه و افسران ارشد
عموما به اتفاق خانم‌های خود حاضر و
جلسه به‌طور بسیار خوب و باشکوهی
تشکیل گردید و نطق‌هایی در اطراف



اصلاحات و ترقیات حاصله در دور مشعشع پهلوی و تجدد نسوان و تشویق خانم‌ها
ایراد شد. شب جمعه آتیه از طرف تجار جشن مفصلی گرفته، عموم طبقات نیز متدرجا
اقدام خواهند کرد. به پاسداران و پاسبانان و مستخدمین آستانه هم مساعده‌های مالی
داده شده‌است و عمل کرده‌اند. طبق راپورت‌های واصله در کلیه ولایات تابعه نیز
پیشرفت‌های خوبی کرده و به‌طور کلی جریان کاملاً رضایت‌بخش است.

۱۴/۱۰/۲۷ نمره ۲۹۰ پاکروان.

وزرا، استانداران، فرمانداران و بخشداران موظف به انعقاد مراسم متعدد و دعوت از
روحانیون، تجار و افراد صاحب نفوذ به آن مراسم همراه با زنان بدون حجاب خود گردیدند.
به وعاظ، روحانیون و پیشوایان محلی دستور داده شده بود که بانوان را به برداشتن حجاب
تشویق کنند و آنان را از نظر شرعی توجیه نمایند.
محسن صدر، وزیر عدلیه در دوران رضاشاه، درباره اقداماتش به دستور شاه در خصوص
جشن وزارت عدلیه می‌نویسد:

من ناچار شدم و مجلسی در کلوب ایران که وسعت زیادی داشت فراهم کرده دعوت

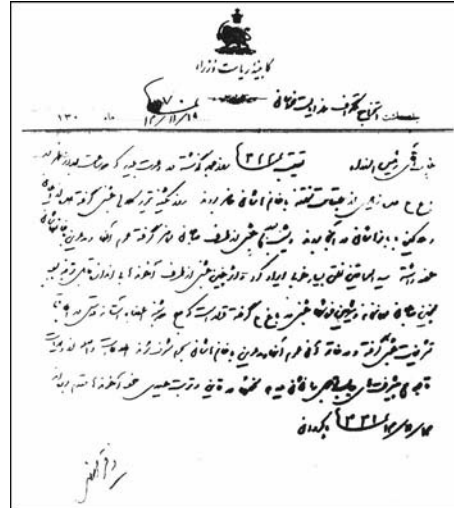
کردم، ولی در خانه من حالت عزا بود و ناچار شب عده زیاد از اعضا و سایرین آمده بودند خانم من با دخترهایم حاضر شدند و از مدعوین پذیرایی شد و بعد از مراجعت از آنجا خانم من مریض شد و دیگر از آن خانه بیرون نیامد تا در مدت یک سال بعد فوت شد و جنازه او بیرون رفت.^۱

نمره ۷۰ ۱۴/۱۱/۱۵

استخراج تلگراف رمز ایالت خراسان

جناب آقای رئیس‌الوزراء

تعقیب نمره ۳۲۲ روز جمعه گذشته در دعوت بلدیه که دو ساعت بعد از ظهر در باغ ملی عده زیادی از طبقات مختلفه با خانم‌هایشان حاضر بودند، روز یکشنبه تیمور کلامی جشن گرفته، عده از اعیان و ملاکین با بانوهایشان در آنجا بودند.



دیشب هم جشن از طرف صاحبان محاضر گرفته عموم آنها و مدعوین با خانم‌هایشان حضور داشته. سیدالعرافین نطق بسیار خوبی ایراد کرد و اثر چنین جشنی از طرف آخوندها بی‌اندازه قابل توجه بود. همچنین صاحبان مهمانخانه و شیرینی‌فروش‌ها جشنی در باغ ملی گرفته. قرار است که صبح روز دوشنبه اعضای آستانه قدس در اطاق تشریفات جشن گرفته و در خاتمه آن عموم آنها و مدعوین با خانم‌هایشان به حرم مشرف شوند. اطلاعات واصله از ولایات تابعه هم پیشرفت‌های جالب توجهی را نشان می‌دهد، مخصوصاً در قائن و تربت حیدری خود آخوندها مقدم بوده‌اند. ۱۴/۱۱/۱۲

نمره ۳۳۱ پاکروان

♦ ممنوعیت بانوان محجبه از حضور در اماکن عمومی

روند رفع حجاب پیشرفت بسیار کندی داشت و رژیم تلاش می‌کرد هر چه بیشتر عرصه را بر مردم تنگ نماید. به همین منظور استفاده زن‌های چادری از وسایل نقلیه عمومی ممنوع شد. به گاراژهای فعال در شهرها دستور داده شد که زن‌های محجبه را سوار نکنند و مشابه این قوانین در مورد استفاده آنان از قطار و اتوبوس‌ها صادر شد.

از مضحک‌ترین اقدامات رژیم برای برداشتن کامل حجاب در ایران جلوگیری از ورود و حضور بانوان محجبه در اماکن زیارتی و مساجد بود. این کار موجبات تعجب برخی مسئولان را در شهرهای مختلف برانگیخته بود و در این زمینه از مرکز سؤالاتی می‌کردند. با این حال رژیم با وجود آنکه می‌دانست حضور بانوان در این قبیل اماکن برای عبادت است و برای آن باید قسمت‌هایی از بدن را پوشاند ولی دستوراتی در زمینه جلوگیری از ورود و حضور زنان محجبه صادر شد.

بدین ترتیب علاوه بر چادر مشکی، پوشیدن چادر نماز هم در خیابان‌ها ممنوع شد و موجبات انزوای بیشتر زنان باحجاب و معتقد ایرانی را فراهم نمود. برای حضور زنان در مجالس روضه، مساجد و اماکن زیارتی حتی استفاده از روسری هم ممنوع شد! پارک‌ها و سینماها تنها پذیرای زنان بی‌حجاب شد. از دارندگان حمام‌های زنانه تعهد گرفته شد هیچ زنی را بدون کلاه به حمام راه ندهند و در صورتی که زنی با چادر به حمام رفت بار اول به او تذکر بدهند و در صورت بی‌توجهی مجدد وی به این موضوع اسم وی و همسرش را به مراجع انتظامی اعلام کنند تا با آنان برخورد قانونی شود. بسیاری از دارندگان حمام‌ها نسبت به این موضوع توجهی نداشتند، به همین منظور مأمورانی در حمام‌ها گماشته شدند تا فعالیت‌های آنان و حضور زنان محجبه را کنترل کنند و حمامداران متخلف دوباره احضار و مجبور به سپردن تعهد شدند. خانواده‌ها برای حل این مشکل اقدام به ساختن حمام در داخل خانه‌ها نمودند. رژیم

برای عمومیت بخشیدن به کشف حجاب در بازارها نیز مأمورانی قرار داد تا از تردد زنان چادری به آن مکان جلوگیری کند.

ایالت خراسان
روز دوشنبه ۱۲۱۰ هجری قمری
۵۴۱
مورخه ۱۵/۳/۱۳۰۰
در وزارت که اصل آن در... ثبت شد

بیت خراسان - با تخیل و تخیل...
۱- در این بیت خراسان...
۲- در این بیت خراسان...
۳- در این بیت خراسان...
۴- در این بیت خراسان...
۵- در این بیت خراسان...
۶- در این بیت خراسان...
۷- در این بیت خراسان...
۸- در این بیت خراسان...
۹- در این بیت خراسان...
۱۰- در این بیت خراسان...

◆ نقشه استعمار، نفوذ در خانواده‌ها

استعمارگران به‌منظور تسلط بر کشورهای مسلمان تلاش‌های بسیاری نمودند. آنان میسیونرهایی جهت آموزش تمدن خود فرستاده و برای اجرای خواسته‌های خود تمایل داشتند به راحتی در خانواده‌ها راه یابند و حجاب مانعی سخت برای دسترسی آنان به داخل خانواده‌ها بود.

آنان برای نفوذ نیاز مبرمی به تغییر خصوصیات مردان داشتند، به همین منظور با استفاده از رضاخان قوانینی در زمینه متحدالشکل نمودن لباس‌ها صادر نمودند تا بدین وسیله مردان را از فرهنگ و سنن اصیل خود دور کنند و آنان را برای پذیرش تغییر لباس و کشف حجاب بانوان آماده نمایند.

جهانخواران به منظور دستیابی به مقاصد خود، آزادی زنان، حضور آنان در جامعه، اعطای حقوق واقعی زنان، تضییع حقوق زنان توسط مردان، رفع عقب‌ماندگی زنان، بالا بردن سطح علمی آنان و مانند آن را بهانه می‌کردند و با مسخره کردن زنان مسلمان تلاش می‌نمودند آنها را از پوشش اسلامی خارج نمایند و هویت خانواده و جامعه را به نفع خود تغییر دهند.

این قبیل اقدامات برای نفوذ در خانواده‌ها و گسترش فعالیت‌های استعمارگرانه در سایر کشورهای اسلامی نیز به چشم می‌خورد.

در فرانسه نیروهای اشغال‌گر برای درهم شکستن انقلاب مردم به راه‌هایی از جمله به مبارزه علیه حجاب زنان روی آوردند.

فرانتس فانون در کتاب سال پنجم انقلاب الجزایر می‌نویسد:

... کشف حجاب زن یعنی آشکار کردن زیبایی‌ها، یعنی عریان کردن نهفته‌ها و اسرار،

یعنی شکستن مقاومت او، یعنی او را برای آتیه در اختیار خویش گرفتن و بالعکس

پوشیدن چهره یعنی مخفی کردن راز و ایجاد یک دنیا اسرار و نهفته‌ها... این زن که

بیرون و دیگران را می‌بیند ولی خود دیده نمی‌شود به استعمارگر محرومیتی را تحمیل

می‌نماید، زیرا این دیدن یک طرفه است و تقابل وجود ندارد. زن دیده نمی‌شود، تسلیم نمی‌گردد و خود را عرضه نمی‌کند.^۱

بررسی نوشته‌های برخی مستشرقان، میسیونرها و نویسندگان غربی نشان می‌دهد مخالفت اصلی آنان با اسلام است و با انتقاد از دین تلاش در حذف واجباتی چون حجاب دارند. حجاب‌ستیزی دشمنان اسلام از روی دلسوزی و شفقت نیست، بلکه تلاش آنان برای سلب قدرت مسلمین و تسلط بر آنهاست. حجاب برای آنان دستاویزی است تا به اسلام حمله برند. آنان در بسیاری از کشورها از بجا آوردن مراسم مذهبی مسلمانان جلوگیری می‌کنند در حالی که پیروان سایر ادیان آزادانه مراسم خود را بجای می‌آورند.

... در این نیم قرن سیاه اسارت‌بار عصر ننگین پهلوی زن را به منزله کالایی خواستند درآورند و آنان را که آسیب‌پذیر بودند به مراکزی کشیدند که قلم را یارای ذکر آن نیست. هرکس بخواهد شمه‌ای از آن جنایات مطلع شود، به روزنامه‌ها و مجله‌ها و شعرهای اوباش و اراذل زمان رضاخان از روزگار تباه کشف حجاب الزامی به بعد مراجعه کند و از مجالس و محافل و مراکز فساد آن زمان سراغ بگیرد. رویشان سیاه و شکسته باد قلم‌های روشنفکرانه آنان و گمان نشود که آن جنایات با اسم «آزاد زنان و آزاد مردان» بدون نقشه جهانخواران و جنایتکاران بین‌المللی بود.^۲

همفر کارشناس و جاسوس انگلستان در کشورهای اسلامی و از فعالان رواج فرهنگ غربی در میان ملل مسلمان در خاطرات خود به موارد متعددی از خصوصیات مسلمانان از جمله اعتقاد به مبانی اسلامی، حفظ حجاب اسلامی، استحکام کانون‌های خانواده و تبعیت فرزندان از روش پدران و نیاکان اشاره کرده و لزوم مبارزه با این مبانی و ارزش‌ها را مورد تأکید قرار داده است.^۳

همفر (مأمور اعزامی وزارت مستعمرات انگلستان به کشورهای اسلامی)، کنت دمارانش

۱. فرانتس فانون، *سال پنجم انقلاب الجزایر*، ترجمه دکتر تابنده، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۴۵.

۲. *صحیفه امام*، ج ۱۲، ص ۲۷۴.

۳. *تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد*، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۷۳.

(رئیس سابق سازمان جاسوسی فرانسه)، دیوید کیو (مأمور سازمان سیا) و میشل هولباک (نویسنده فرانسوی) از بی‌حجابی و برداشتن حجاب زنان و رواج بی‌بند و باری به عنوان یکی از روش‌های مؤثر در مبارزه با استقلال ملت‌های مسلمان و راهی برای کاهش اسلام‌گرایی یاد کرده‌اند.

توصیه‌های همفر در بسیاری از کشورهای اسلامی توسط دولت‌هایی که به دربار لندن و یا متحدان اروپایی‌اش وابسته بوده‌اند، به اجرا گذاشته شد. اسماعیل پاشا در سال ۱۸۷۰ به آزادی زنان با مفهوم اروپایی آن در مصر رسمیت داد. در ترکیه، مقابله با حجاب اسلامی از نخستین برنامه‌های کمال آتاتورک برای اسلام‌زدایی بود. این برنامه‌ای بود که در کنار سایر برنامه‌ها از جمله منسوخ کردن دادگاه‌های شرعی، تعطیل مدارس علوم دینی، جایگزین کردن قوانین اروپایی به جای نظام شریعت، رواج رسم الخط لاتین، تغییر تاریخ هجری به میلادی، اعلام تعطیلی یکشنبه‌ها به جای جمعه‌ها و... به اجرا گذارده شد. در افغانستان نیز امان‌الله‌خان با تأسیس «انجمن حمایت از نسوان» در سال ۱۹۲۸، بانی مبارزه با حجاب زنان مسلمان آن کشور گردید.

در کتاب سیر تحول و تطور حجاب درباره نخستین زن بی‌حجاب در ایران و ارتباط وی با عوامل استعمار چنین آمده‌است:

نخستین زن که با پوشش غیر اسلامی در انتظار حاضر شد و دیگران را به آن تشویق کرد قرّة‌العين است. نگاهی هر چند گذرا به حیات این شخص نشان می‌دهد که چه کسی، با چه مذهبی اولین سنگ بنای کشف حجاب را بنا نهاده و کوشش نمود قبح و زشتی لختی را بشکند. وی از فرقه بابیت بود. رابطه تنگ ظهور این باور انحرافی با عمال خارجی بر کسی پوشیده نیست. نام اصلی او فاطمه و در برخی منابع زرین‌تاج نیز گفته‌اند. وی بعدها از سوی باب به قرّة‌العين ملقب گشت. او شدیداً هوسران بود. به شهرها و روستاها مسافرت کرده و با برداشتن حجاب از سر در ضدیت با آن سخن می‌گفت. مأمورین دولتی نه تنها مشکلی برای او پیش نمی‌آوردند بلکه یاور و مشوق

بودند. با هیاهو و تبلیغات بانوان را جمع می‌ساختند تا قره‌العین در حضور آنها حجاب از سر بکند.^۱

هدف استکبار و استعمار جهانی صرفاً از بین بردن حجاب نیست، بلکه کشف حجاب گام نخست در اسلام‌ستیزی است. در خاطرات صدرالاشرف آمده است:

در سال ۱۳۰۷ به دیدن حاج شیخ عبدالکریم یزدی مؤسس حوزه علمیه قم که مردی بزرگوار بود رفتم مرا در اطاق اندرونی خود پذیرفت و به خاطر دارم از اوضاع وقت به طوری گریه کرد که مثل باران اشک می‌بارید و گفت انگلیس‌ها حلقوم اسلام و مسلمین را گرفته‌اند و تا آن را خفه نکنند دست بردار نیستند.^۲

تبلیغات استعمارگران در کشورهای اسلامی برای قبولاندن بی‌حجابی تبلیغاتی گسترده و قابل بررسی است. فاطمه استادملک درباره فعالیت‌های میسیونرهای زن در کشورهای اسلامی می‌نویسد:

یک گروه از زنان میسیونر، یک اعلامیه شورانگیز برای زنان کشورهای مسیحی منتشر نمودند که به وسیله میسیونرهای زن مختلفی نوشته شده بود. قسمت مربوط به ترکستان توسط یک مسلمان برگشته از اسلام و قسمت مربوط به یمن یا سودان مرکزی، به وسیله میسیونرهای پزشک تهیه گردیده بود. آنان شرح داده بودند که در مصر وضعیت زنان مسلمان بسیار فلاکت‌بار است، تولدش با ناگواری قبول می‌شود، در طفولیت تعلیمی نمی‌یابد، زن قابل دوست داشتن نیست، مادری قابل افتخار نیست، در پیری او کنار گذاشته می‌شود، بعد از مرگش هیچ کس برای او که تمام زندگی‌اش خدمت کرده است نمی‌گرید... نویسندگان معترف‌اند که تقریباً در تمام کشورهای اسلامی، قوانین اسلام بر ضد مسلمان‌ها و باعث نادانی و عقب‌ماندگی و حقارت و بندگی آنان

۱. سیر تحول و تطور حجاب در ایران، دفتر فعالیت‌های فرهنگی - هنری بانوان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

استان تهران، ص ۲۲۰.

۲. محسن صدر، همان، ص ۲۹۳.

◆ کشف حجاب به منظور مقابله با روحانیت

به دنبال مبارزات حاج ملاعلی کنی و میرزای شیرازی با قراردادهای استعماری رویت‌ر و امتیاز رژی، دولت انگلستان نتیجه گرفت که بزرگ‌ترین مانع در مقابل نفوذ و استیلای آنان در ایران روحانیت است و تلاش‌هایی برای از بین بردن روحانیون انجام داد از جمله شیخ فضل‌الله نوری را به دار کشیدند و اقدام به روی کار آوردن عنصری وابسته به نام رضاخان نمودند. رضاخان در دوران حکومت خود به شکل‌های مختلف مخالفت خود را با علما نشان می‌داد. این مخالفت‌ها ابتدا با ایجاد محدودیت آغاز شد و پس از آن سخت‌گیری‌هایی نسبت به آنان نمود. پیش از جریان کشف حجاب، علی‌اکبر داور اقداماتی جهت از بین بردن سلطه قوانین شرعی در کشور انجام داده بود. وی تحصیلکردگان اروپایی را به جای روحانیون در سمت قضات عدلیه قرار داد و در این جایگزینی به هیچ عنوان به لیاقت و تحصیلات آنان توجهی نمی‌شد. حمله به کارکردهای حقوقی روحانیون از سال ۱۳۰۷ آغاز شد و در سال ۱۳۱۵ آنان به شکلی قاطع از مقام قضا محروم شدند.

ویلیام سولیوان در کتاب خاطرات خود، درباره مخالفت رضاشاه با علما و روحانیون می‌نویسد:

رضاشاه در اواخر دوران سلطنت خود بیش از پیش فریفته تمدن غربی شد و هر چه به تمدن غربی نزدیک‌تر می‌شد بیشتر از روحانیت فاصله می‌گرفت. رضاشاه به وعده‌های خود در مورد اجرای مفاد قانون اساسی ۱۹۰۶ هم عمل نکرد و چون با مقاومت‌هایی از طرف روحانیون مواجه شد تصمیم به مقابله با آنها گرفت. یکی از موارد اصلی این مقابله و معارضة مسأله حجاب بود. به موجب فتاوی علمای شیعه، زنان می‌بایستی

تمام بدن و سر خود را به استثنای چشم و قسمت بالای صورت بپوشانند و به همین جهت زنان ایران علاوه بر لباس چادر سیاهی هم به سر می‌کردند که تمام بدن و سر آنها را می‌پوشانید. رضاشاه که مدعی بود این نوع حجاب و پوشش برای زنان در قرآن تجویز نشده و چادر از آزادی حرکت و فعالیت زن‌ها و مشارکت آنها در امور اجتماعی جلوگیری می‌کند دستور برداشتن چادرها یا «کشف حجاب» را صادر کرد. این اقدام که با مقاومت‌ها و خشونت‌هایی هم همراه بود روحانیت شیعه را در مقابل رضاشاه قرار داد و این اختلاف و معارضة تا سقوط رضاشاه ادامه داشت.^۱

قبل از اجرای کشف حجاب بانوان و تغییر لباس مردان پیش‌بینی‌هایی به منظور جلوگیری از دخالت روحانیون به عمل آمد.

دولت اعلام نمود از نظر اینکه اشخاص غیر روحانی و یا روحانی‌نمایان نتوانند از پوشیدن لباس و عمامه سوء استفاده نمایند باید اشخاصی که به این لباس ملبس هستند از دو نفر از مراجع گواهی گرفته باشند که صلاحیت دارند و مجتهدین شهادت‌نامه بدهند و آن گواهی را به وزارت معارف برده تحصیل اجازه نمایند و الا از این به بعد هیچ کس حق ندارد عمامه به سر بگذارد مگر از وزارت معارف کسب اجازه کرده باشد. با این ترتیب نسبت به کسانی که معمم بودند سخت‌گیری‌هایی نمودند و معممین یا در معابر آفتابی نمی‌شدند و در خانه می‌ماندند و یا اگر در معابر پیدا می‌شدند گرفتار پلیس می‌گردیدند.^۲

برخلاف آنچه که در مکاتبات با علما از سوی دولتمردان رژیم مطرح می‌شد، هدف از تغییر لباس محدودیت شدید روحانیون بود، به گونه‌ای که در ترکیه انجام گرفت. لیکن با توجه به وضع خاص روحانیت در ایران و نیازمندی به حمایت آنان به ویژه در سال‌های اول حکومت، سعی می‌شد روابط با رؤسای درجه اول روحانیون با تفاهم صورت گیرد. در میان خود روحانیون نیز بودند کسانی که از تصفیه روحانیت استقبال

۲. ویلیام سولیوان، *خاطرات دو سفیر «مأمریت در ایران»*، ترجمه محمود طلوعی، تهران، علم، ص ۵۲.

۲. حسین مکی، همان، ج ۶، ص ۲۸۰.

می‌کردند، غافل از آنکه هدف رژیم، محو ریشه روحانیت است. در مقابل، برخی نسبت به اهداف تغییر لباس و نیت رژیم به دیده شک و تردید می‌نگریستند.^۱

امام(ره) با ذکر خاطره‌ای در مورد ساده‌اندیشی برخی روحانیون در این باره می‌فرماید: خدا رحمت کند مرحوم آقا فیض را، به من در مدرسه فیضیه فرمودند که خوب اینکه بد کاری نیست که بیایند خوب‌ها را از بد‌ها جدا کنند. من به ایشان عرض کردم که بله اینها می‌خواهند خوب‌ها را از بد‌ها جدا کنند که خوب‌ها را از بین ببرند نه بد‌ها را و همین طور هم شد.^۲

روحانیون در برابر تغییر لباس واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دادند؛ برخی از آنان بنابر اجبار تغییر لباس دادند و یا در امتحاناتی به این منظور شرکت می‌کردند. در قم آیت‌الله حائری بدون موضع‌گیری صریح علیه قانون لباس متحدالشکل، به شاگردان خود توصیه می‌کردند با حضور در جلسات امتحان به طلاب در پاسخگویی به سؤالات کمک کنند. برخی دیگر از روحانیون از جمله مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی - از مراجع ساکن نجف - به منظور مقابله با آن قوانین در دادن مجوزهای متعدد (اجازه اجتهاد یا مدرسی) آسان‌گیری می‌کردند و این در شرایطی بود که مأموران شهربانی در بسیاری از موارد حتی به مجوزهایی که قبل از تصویب قانون اتحاد شکل صادر شده بود توجهی نمی‌کرد. به طور مثال حکومت شیراز از صدور جواز عمامه برای شیخ عبداللطیف شیرازی خودداری می‌کرد، در حالی که او اجازه اجتهاد خود را از آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی - از علمای بزرگ نجف - کسب کرده بود. مشابه این جریان در اصفهان در مورد آقا حسین خادمی که از علمای نجف اجازه اجتهاد داشت به وقوع پیوست.

به اعتقاد گزارشگران خارجی در جریان مبارزه با روحانیون نیز رضاشاه از آتاتورک تقلید می‌کرد. در این باره نشریه «تایم» مورخ ۲۵ آوریل ۱۹۳۸ (۱۵ اردیبهشت ۱۳۱۷) نوشته است:

۱. حمید بصیرت‌منش، *علماء و رژیم رضاشاه*، تهران، عروج، ۱۳۷۶، ص ۴۹۴.

۲. *صحیفه امام*، ج ۱۳، ص ۳۱۹.

شاهنشاه... آداب و رسوم و لباس و خدمات فنی ملل اروپا را دوست می‌دارد. همان‌طور که کمال پاشا چند سال قبل در ترکیه عمل کرد رضاشاه نیز کسانی که بی‌جهت عمامه بر سر بگذارند زندانی می‌کند.^۱

رژیم علاوه بر تحت فشار قرار دادن روحانیون اقدام به تربیت روحانیون دولتی کرد تا بتواند نبض امور مربوط به آنان را در دست گیرد.

در ایران پدیده عجیب اسلامی دولتی دیده می‌شود به طوری که دولت در ظاهر در فکر تعدیل و شاید اصلاح دین و در واقع در فکر تباه ساختن دین از درون است. شماری از تحصیلکرده‌ها معتقدند که باید دین را دولتی کرد هر چند مورد قبول اندکی از مردم باشد.^۲

علما و روحانیون در مقابل اقدامات رضاشاه برخوردهای سیاسی - اجتماعی و علمی - فرهنگی نمودند؛ برخی از روحانیون بر سر منابر مخالفت خود را نشان می‌دادند و با مأموران و افراد خاندان سلطنتی درگیر می‌شدند که می‌توان در این رابطه از مرحوم آیت‌الله بافقی نام برد.

نعمت‌الله قاضی‌شکیب درباره حضور بدون حجاب همسر رضاشاه، وابستگان به خاندان سلطنتی و برخی همراهان ملکه در حرم حضرت معصومه(ع) در سال ۱۳۰۶ و برخورد مرحوم بافقی می‌نویسد:

بنابر یک سنت دیرینه که برخی از خانواده‌ها، ساعت تحویل سال نو را در اماکن مذهبی می‌گذرانند، در آن سال، همسر رضاشاه «ملکه پهلوی» با تنی چند از همراهان خود به قم رفت تا در صحن مطهر حضرت معصومه علیهاسلام، فرا رسیدن سال نو را پذیره شود. آورده‌اند که در آن مراسم، وابستگان به خاندان سلطنتی و بعضی از همراهان ملکه، در رعایت حجاب اسلامی، دقت مبذول نمی‌داشتند و همین کم‌توجهی آنان به حجاب اسلامی

۱. فتح‌الله نوری اسفندیاری، همان، ص ۷۶۸.

۲. ال پی ایول ساتن، رضاشاه کبیر یا ایران نو، ترجمه عبدالعظیم صبوری، تهران، تابش، ص ۲۰۳.

موجب آمد که روضه‌خوانی به نام سید ناظم به منبر برود و به دستاوری برخی از روایات و احادیث و به استناد امر به معروف و نهی از منکر مردم را تهییج و تحریک کند که از این بدحجابی جلوگیری کنند. سخنان وی به گوش یک معمم به نام حاج شیخ محمدتقی بافقی می‌رسد. شیخ بافقی، چون مباشر و کارگزار مرجع تقلید آن روزگاران، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بود، به خود حق داد که به همسر پادشاه گستاخی و پرخاش کند و او و همراهانش را به رعایت حجاب ملزم سازد. ملکه پهلوی با همراهان خود بی‌درنگ به منزل آقای تولیت متولی آستانه قم می‌رود و از آنجا با تلفن، حادثه را به استحضار شاه می‌رساند. رضاشاه بر اثر شنیدن سخنان ملکه بی‌درنگ به سوی قم حرکت کرد، در صحن حرم، چند نفر طلبه را کتک زد، تنی چند را نیز با عصا و لگد مضروب ساخت، سپس دستور داد شیخ بافقی را دستگیر کردند و پس از اینکه وی را تازیانه زدند، به زندان نظمیه تهرانش فرستادند.^۱

این واقعه نخستین برخورد تند و نخستین مخالفت آشکار رضاخان با روحانیون و در واقع مذهب بود. آیت‌الله حائری در مقابل این اقدام رضاشاه تقیه پیشه کردند. شیخ محمد شریف‌رازی علت این برخورد ایشان را این طور می‌نویسد:

آیت‌الله حائری با آنکه از تبعید بافقی دلش مجروح بود ولی، مجبور به تقیه بود و چاره‌ای نداشت. او مبتلا به اهم (اسلام) و مهم (عالم) شده بود. آیت‌الله حائری می‌دید که اگر پشتیبانی علنی از مرحوم بافقی کند نه بافقی آزاد و جبران اهانتش می‌شود و نه حوزه می‌ماند و نه آستانه قم و نه شخصیت خودش... او با فراست ایمانی و شم فقهاتی که داشت سلطان زندیق و دیکتاتور و مدلس را خوب می‌شناخت، می‌دانست تنها تظاهرش به ارادت و اخلاص و اینکه مرید و مخلص و مقلد شما هستم و نهایت چاپلوسی را می‌نمود جز تدلیس و تزویر و حقه‌بازی چیز دیگری نیست.^۲

۱. نعمت‌الله قاضی شکیب، *علل سقوط حکومت رضاشاه*، تهران، آثار، ۱۳۷۷، ص ۲۹، ۳۰.

۲. محمد شریف‌رازی، *آثار الحجه یا اولین دایرة المعارف حوزه علمیه قم*، قم، دارالکتاب، ۱۳۳۲، ص ۳۳.

پس از اجرای طرح کشف حجاب، مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری تلگرافی به شاه زد و آن را خلاف شرع اعلام نمود؛ برخورد با ایشان بسیار تند و زننده بود و پس از آن ایشان دیگر اقدامی در این رابطه ننمودند.

متن تلگراف آیت‌الله حائری که در ۱۱ تیر ماه ۱۳۱۴ به رضاشاه مخابره نمودند بدین شرح است:

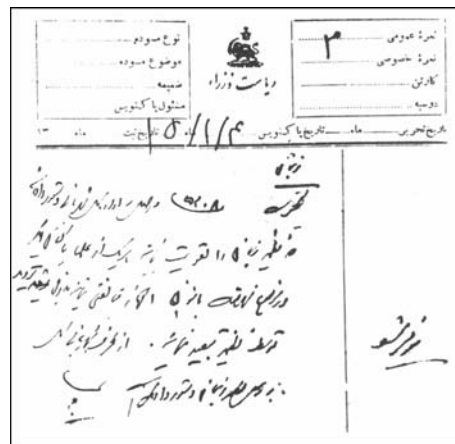
حضور مبارک اعلی حضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه. بعد از تقدیم ادعیه خالصانه، مشهود خاطر همایونی بوده که احقر همیشه تعالی و ترقی دولت علیه را منظور داشته و اهم مقاصد می‌دانسته. فعلا هم به همین نظر عرضه می‌دارد اوضاع حاضره که بر خلاف قوانین شرع مقدس و مذهب جعفری علیه السلام است موجب نگرانی داعی و عموم مسلمین است. البته بر ذات ملوکانه که امروزه حامی و عهده‌دار نوامیس اسلامی هستید حتم و لازم است که جلوگیری فرمایید. عموم اهالی ایران بلکه مسلمین دنیا را قرین تشکر فرموده، امید است رفع اضطراب این ضعیف و عموم ملت شیعه بشود.

لاحقر عبدالکریم حائری»

جواب تلگراف ایشان یک روز بعد به قم مخابره شد:

به آقای حاج شیخ عبدالکریم به قم مخابره شود.

تلگراف حضرت مستطاب عالی به حضور مقدس اعلی حضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه مشعر بر اینکه اوضاع حاضره خلاف قوانین شرع مطهر و مذهب جعفری است با وجود سوابق معلومه، فوق‌العاده باعث تعجب و تغییر خاطر مهر مظاهر گردید و کسانی که این قسم افتراها می‌زنند امر صادر فرمودند قانوناً تحت تعقیب



در آورند. اگر نظر حضرت مستطاب عالی به اراجیف و اکاذیب شایعه است، عجب است که بدون تحقیق ترتیب اثر داده، عنواناتی که به هیچ وجه شایسته مقام مقدس ملوکانه نیست فرموده‌اید و اگر راجع به لباس و کلاه است، باز از آراء صائبه که در وجود محترم سراغ داشتند مایه تعجب است که این قبیل امور موافقت و مخالفت به احکام شرع مقدس را عنوان می‌فرمایید. بنده در عالم ارادت کیشی خالصانه معتقدم که شیوه مرضیه را که موجب حسن عقیده بندگان اعلی‌حضرت همایونی نسبت به وجود محترم بوده از دست نداده، در مطالبی که عوام و مردمان بی‌اطلاع یا مغرض به عرض عالی می‌رسانند تحقیق و تأمل کرده قسمی نفرمایید که مساعی جمیله که ذات خسروانه برای ترقی و تعالی دولت و ملت که یگانه وسیله اعلای کلمه حقه است و به نوع دیگر جلوه نموده، سبب آزرده‌گی و تغیر خاطر مقدس شاهانه گردد. در خاتمه باز خاطر محترم را مستحضر می‌سازد به این نکته که کسانی که این عناوانات را تعقیب و اذهان عامه را به مفتریات و جعلیات مشوب داشته و مشتبه می‌سازند دچار عقوبت خواهند شد. ۱۴/۴/۱۲

آیت‌الله قمی، آیت‌الله حائری، آیت‌الله سید یونس اردبیلی، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای و آیت‌الله میرزا محمد آقازاده از جمله مراجع و علمای سرشناسی بودند که نسبت به اقدامات رضاشاه در ترویج بی‌حجابی شدیداً اعتراض کردند و بودند روحانیونی که با بیان واجبات دین زندانی و تبعید شدند.

۱۷ فروردین ۱۳۱۵ وزارت داخله

ریاست وزراء

طبق راپورت حکومت بم به ایالت کرمان در یک مجلس روضه‌خوانی ربانی واعظ صحبت کرده است که باز بودن دست و صورت نسوان شرعاً عیب ندارد ولی نمایان بودن موی سر آنها خلاف شرع است، ایالت به وسیله شهربانی دستور داده است که او را به کرمان تبعید نمایند.

از طرف وزیر داخله

۱۵/۱/۴

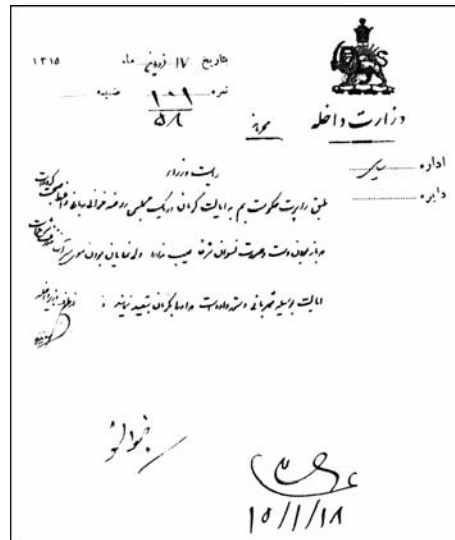
نمره عمومی ۳

ریاست‌الوزراء

زنجان

حکومت نمره ۵۲۰۸ واصل به اداره کل
شهربانی دستور داده شد که نظمی
زنجان را تقویت نمایند. هر یک از علما
یا کسان دیگر در موضوع نهضت
بانوان اظهار مخالفتی نمایند بدون
تردید توسط نظمی تبعید نمایند. از
طرف شهربانی کل به نظمی زنجان
دستور داده شده است. جم

شکل دیگر برخورد علما و روحانیون



برخورد علمی - فرهنگی بود و آنان اقدام به نگارش آثاری در زمینه وجوب حجاب و رد کشف حجاب نمودند. از جمله آن کتاب‌ها می‌توان *وسيله العفافيف*، تألیف شیخ یوسف نجفی جیلانی (۱۳۰۷ش)، *رساله در حجاب*، تألیف شیخ محمدکاظم بن محمد سعید (۱۳۴۵ق)، *فلسفه الحجاب فی وجوب النقاب*، تألیف شیخ غلامحسین تهرانی (۱۳۴۵ق)، *رساله الحجاب*، تألیف سید فاضل هاشمی بروجردی همدانی (۱۳۴۶ق)، *حکمه الحجاب و ادله وجوب النقاب*، (۱۳۴۹ق)، *رد کشف حجاب و وجوب حجاب به حکم عقل و تصریحات کتاب و سنت*، تألیف سید اسدالله خرقانی (۱۳۵۱ق)، *رساله حجابیه*، تألیف سید علی امامی تفرشی (۱۳۵۳ق) و *سدول الجلباب فی وجوب الحجاب*، تألیف آیت‌الله بلادی بوشهری (۱۳۱۲ش) را نام برد.

نگارش این آثار که شمار آنان بسیار است... از سال ۱۳۲۹ق با رساله‌ای که فخرالاسلام در این باره نوشته آغاز شده و پس از آن همچنان ادامه یافته است. اوج تألیف آنها در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶ق / ۱۳۶۰ - ۱۳۰۷ است که تعداد زیادی کتاب و مقاله در ایران و عراق در این باره نوشته شد. پس از آن تألیف همچنان ادامه داشت تا آنکه فشار استبداد مانع از فعالیت آزاد علمی علما شده و تا رفتن رضاخان، علما و فضلا، تنها و تنها در اندیشه حفظ کلی روحانیت و دین در برابر تهاجم اصلاح‌طلبان و متجددان

مستبد بودند.^۱

پس از برکناری رضاخان تلاش‌هایی دوباره برای زدودن آثار بی‌حجابی صورت گرفت. تعدادی کتاب و مقاله نوشته شد و آثاری چون *کشف الغرور ذبیح‌الله محلاتی و الحجاب فی الاسلام* شیخ قوام و شنوی انتشار یافت. از جمله آثاری که پیش از انقلاب در مورد حجاب نوشته شد و با استقبال جوانان مذهبی روبه‌رو شد کتاب *مسأله حجاب شهید مرتضی مطهری* بود.

◆ مقاوت‌های مردمی، جنایات رضاشاه

در صعود رضاخان به سلطنت، علاوه بر نظامیان جمعی از متجددین که حزب رادیکال (به رهبری علی‌اکبر داور) را تشکیل داده بودند، نقش اصلی را بر عهده داشتند. کسانی چون تیمورتاش که اعتقادی به خدا و پیامبران الهی نداشتند، جریان‌های تجددگرایانه را رهبری می‌کردند و اندیشمندانی چون فروغی، عیسی صدیق و علی‌اصغر حکمت با آمال‌های غربی، سازماندهی فرهنگی رژیم را بر عهده گرفتند. ویژگی نظامی و دیکتاتوری حکومت رضاشاه موجب می‌شد تا حمایت از برنامه‌های غربی از پشتوانه زور و اجبار و خشونت برخوردار باشد.^۲

بسیاری از مردم ایران در مقابل قوانین استعماری دوران رضاشاه مقاومت نمودند. آنان علیه اقدامات دولت در خصوص تبدیل کلاه و رفع حجاب فعالیت‌هایی نمودند و همواره با برخورد شدید و خشونت‌بار مأموران حکومت پهلوی روبه‌رو شدند. از جمله آن حوادث فاجعه مسجد گوهرشاد بود. صدرالاشرف در خاطرات خود درباره آن می‌نویسد:

... آنچه مسلم بود این است که بعد از اجتماعی که بر پشتیبانی حاج آقا حسین قمی بر ضد اقدامات دولت به تبدیل کلاه و رفع حجاب تشکیل یافت و منتهی به آمدن حاج آقا

۱. رسول جعفریان، همان، ص ۳۴، ۳۵.

۲. حمید بصیرت‌منش، همان، ص ۵۱۷.

حسین برای مذاکره حضوری با شاه گردید و اهالی مشهد شنیدند که از طرف شاه و دولت اعتنایی به حاج آقا حسین نشده و به او توهین کرده‌اند مردم در مسجد گوهرشاد جمع شده و در این موقع آخوندی به نام شیخ بهلول از مریدهای حاج آقا حسین که به زهد و تقوی معروف بود از گناباد به مشهد وارد شد و در مسجد گوهرشاد مردم را به مقاومت در برابر اوامر دولت تشجیع می‌کرد و از قرار مسموع بیانات او در منبر خیلی مؤثر بوده است و جمعیت مسجد ساعت به ساعت زیاد می‌شده. شهربانی اوضاع را به مرکز تلگراف کرده و از مرکز امر به گرفتن و تبعید شیخ بهلول صادر شده ولی مقاومت مردم مانع شده‌است که شهربانی بتواند او را دستگیر کند... عصر روز بعد از ورود بهلول که روز ۱۹ تیر ماه ۱۳۱۴ بوده نایب‌التولیه شیخ بهلول را در کشیک‌خانه آستانه توقیف کرد ولی مردم به زور او را از کشیک‌خانه بیرون آورده به منبر بردند و جمعیت مردم دور بهلول را احاطه کرده و شب را در مسجد ماندند. صبح روز بعد که جمعه بوده مردم شهر برای حمایت متحصنین مسجد هجوم کرده و شهربانی چون از عهده جلوگیری برنیاورده عده‌ای از نظامی‌ها به کمک شهربانی مسجد را محاصره و درب‌های اطراف را بسته و توپ و مسلسل در بام‌هایی که مشرف به مسجد و صحن مطهر جلوگیری نمودند... از طرف نظامی‌ها تیراندازی شروع شد و جمعیتی کشته و زخمی شدند... اول شب ۲۱ تیر به امر مرکز اطراف مسجد و صحن‌ها را نظامی‌ها محاصره و درب‌های اطراف را بسته و توپ و مسلسل در بام‌هایی که مشرف به مسجد بود نصب کرده و بعد از اكمال نقشه محاصره رگبار توپ و مسلسل به اهالی بیچاره که در صحن مسجد و ایوان‌های مسجد جمع و خوابیده بودند بی‌رحمانه جاری شد. اسدی [نایب‌التولیه] گویا از تصمیم شاه به اقدام خشن مطلع بوده علما را که در مسجد بودند به بهانه مشاوره به اطاق تشریفات آستانه برده نزد خود نگاه داشته است... این نکته مسلم بود که مقتولین و مجروحین همه را برده‌اند در گودال‌ها دفن کرده‌اند.^۱

فخر روحانی درباره مقاومت دختران
محصل در مقابل دستورات اسلام‌ستیزانه
رضاشاه می‌نویسد:

رضاخان روزی تصمیم گرفت (یا در
حقیقت مأمور شد) حجاب را برای زنان
ایرانی ممنوع کند... مأمورین پلیس
دستور گرفتند که اگر در کوچه‌ها و
خیابان‌ها به زنان چادری برخوردند،
چادر از سر آنها بگیرند و پاره پاره
کنند، نتیجه این خشونت چیزی بود که
انتظارش را نداشتند و آن این بود که
زنان ایرانی از خانه خارج نشدند و

دختران جوان ایرانی که محصل بودند، دیگر به مدرسه نرفتند و در خانه‌ها ماندند و
ترک تحصیل کردند و آن‌قدر به ترک تحصیل خود ادامه دادند، تا دوباره اجازه یافتند
چادر به سر کنند.^۱

همان‌طور که گفته شد یکی از راه‌های
مبارزه با حجاب استفاده از ادبیات منظوم
بود، در مقابل اشعار افرادی چون عارف،
ایرج میرزا و عشقی اشعار شاعرانی چون
امیرالشعرا نادر، شیخ یوسف گیلانی،
منتظر محلاتی، موسی طبرسی کاظمینی
(ضیایی)، اشرف‌الدین حسینی، وافی عراقی،



۱. فخر روحانی، *اهرم‌ها «سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی»*، تهران، بلیغ، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۰۰.

دکتر محمود افشار و... درباره لزوم حجاب به چشم می‌خورد. استاد سید عبدالکریم امیری فیروزکوهی به دنبال رسمی شدن کشف حجاب و اجباری شدن آن منظمه‌ای تحت عنوان «عفاف‌نامه» سرود و به شدت از حجاب و عفاف دفاع کرد؛ مقاومت مردم در مقابل کشف حجاب در اشعار آن شعرا نمایان است. برخی مطبوعات نیز همواره با درج مقالاتی به مسأله حجاب در دوران رضاشاه و پس از آن پرداختند که «الاسلام»، «آیین اسلام»، «نور دانش»، «دنیای اسلام» و «ندای حق» از جمله آن نشریات بودند و به طور حتم می‌توان گفت اسناد بسیاری گواه عدم موفقیت رژیم ستمشاهی در کشف حجاب و عقب‌نشینی آنان است.

ریاست اداره کل احصائیه و ثبت احوال

با نهایت ادب و کمال احترام، راپورت دو ماهه مربوط به هیأت تفتیشیه ذیلا به عرض می‌رساند:

۱. طرز رفتار و حسن سلوک مأمورین دولتی بر حسب ظاهر موافق مقررات است.
۲. حکومت محل در عمران و آبادانی لار اقدام لازمه معمول خواهد داشت.
۳. روحیه اهالی در ظاهر متوجه دولتخواهی ولی از نقطه نظر خمودی که فطری و جبلی آنهاست، کوچک‌ترین قدمی در مرحله تمدن بر نداشته و به همان خرافات سابق خویش معتقد و در زاویه خود پیوسته معتکف خواهند بود. حتی در مسأله رفع حجاب که تا حال شاید قریب ۳۰ مرتبه از طرف بلدییه و معارف کنفرانس‌های مخصوص تشکیل و در هر مرحله ضمن لایحه و نطقی که از طرف مأمورین و غیره عرصه ظهور رسیده، اهالی را تشویق کرده، مع هذا به کلی اثری در وجود آنها مترتب نیست؛ یعنی در یکی دو دعوت که از طرف بلدییه و مدرسه دختران که قسمتی از طبقات تجار دعوت شده، برخی به بهانه مریض‌داری حاضر نشده و عذر این قسمت را برای رفع نگرانی آتیه خود خواسته، بعضی دیگر که حاضر شده با چه کیفیتی خانم خود را آرایش داده با وضعی که از پوشش لباس سیاه و سرپوش سیاه که کلیه صورت را مستور داشته، مانند خمره متحرک طوری خود را آراسته که جلب نظر حاضرین از منحوسی شکل خویش متوجه نموده در حالتی که صرف نظر از کنفرانس‌ها و دعوت‌های معمولی در باغ ملی و



شماره ۵۳۱۰

مورخه ۱۳۲۰/۷/۲۳

رونوشت مراسله زن‌های یزد

مجلس شورای ملی

بعدالعنوان، به عرض

می‌رسانیم: در این موقع که

اراده شاهنشاه بر پایه قانون

مشروطیت استوار، زبان و قلم

آزاد، شما نمایندگان ملت

می‌توانید برای بیچارگان و

ستمدیدگان دادرسی فرمایید.

متأسفانه آنچه در رادیوها

شنیده و روزنامه‌ها مطالعه

می‌شود هیچ اسمی از ظلم و

ستم‌هایی که چندین سال است

به ما بیچارگان شده، نیست که به واسطه یک روسری یا چادر نماز در محله‌ها حتی از خانه به خانه همسایه به طوری در فشار پاسبان و مأمورین شهربانی واقع بوده و هنوز هم هستیم که خدا شاهد است از فحاشی و کتک و لگد زدن هیچ مضایقه نکرده و نمی‌کنند و اگر تصدیق حکما آزاد بود از آمار معلوم می‌شد که تا به حال چقدر زن حامله یا مریضه به واسطه تظلمات و صدمات که از طرف پاسبان‌ها به آنها رسیده جان سپردند و چقدر از ترس و حرس فلج شدند و چقدر مال ما را به اسم روسری یا چادر نماز به غارت بردند و چه پول‌هایی از ما به هر اسمی و رسمی گرفته شده.

خدا می‌داند اگر یک نفر از ماها با روسری یا چادر نماز به دست یک پاسبان می‌افتد مثل اسرای شام با ماها رفتار می‌کردند. بهترین رفتار آنها با ماها همان چکمه‌ها و لگدها بر

دل و پهلوی ما بود و اگر به پول گرفتن قانع نمی‌شدند یا پولی نداشتیم به آنها بدهیم ما را به شهربانی و کمیسر می‌بردند؛ اذیت ما بیشتر و مخارج ما زیادت‌تر. لذا استدعای عاجزانه داریم اولاً انتقام ما ستمدیدگان را از این جابران بکشید و بعد هم آزادی حجاب به ما بدهید کما اینکه در ممالک اسلامی حجاب معمول است. به علاوه، در انگلستان و هندوستان که آن‌قدر ادیان مختلف هست مخصوصاً مسلمانان دارای حجاب هستند. لذا از نمایندگان محترم مسلمان کلیه ملت ایران استدعا داریم استرحاماً حال دیگر دست ظلم و تعدی و شکنجه از سر ما زن‌های مسلمان کوتاه و ماها را آزاد فرمایید.

در خاتمه، با تقدیم احترامات، امضای جمعی از زن‌های یزد
رونوشت برابر اصل است. رئیس اداره دبیرخانه مجلس شورای ملی ۲۹/۸/۲۰

♦ حجاب‌ستیزی در دوران محمدرضا پهلوی

در رژیم طاغوتی پهلوی آن ظلمی که به بانوان محترم ایران شد به مردها آن ظلم نشد، به بانوانی که مقید بودند به اینکه بر طبق اسلام عمل کنند و موافق آنچه که اسلام امر کرده است زی خودشان را قرار بدهند، در آن رژیم در زمان رضاشاه به وضعی و در زمان محمدرضا به وضع دیگر، آنچه به بانوان گذشت قابل توصیف نیست و بحمدالله بانوان ایران مقاومت کردند و جز یک دسته‌ای که جزء دار و دسته خود آنها بودند و با رژیم او مناسب بودند، سایر خواهرها مقاومت کردند. بنابراین اسلام که در ایران زنده شد، آن خدمتی را که به بانوان کرده‌است و خواهد کرد ارزشش به اندازه‌ای است که نمی‌توانیم ما توصیف کنیم. اگر نبود این انقلاب و نبود این تغییر و تحولی که در ایران واقع شده بود، بعد از چند سال دیگر اثری از اخلاق اسلامی در ایران نبود.^۱

محمدرضا پهلوی در جریان مبارزه با اسلام و روحانیت راه‌های دیگری در پیش گرفت. وی

و عوامل خودفروخته‌اش هیچ‌گاه به طور مستقیم صحبتی از کشف حجاب ننمودند ولی همواره اقداماتی برای رواج بی‌حجابی و محدود نمودن زنان باحجاب انجام دادند. تصویب قوانینی چون آزادی بانوان، تساوی حقوق زن و مرد، قانون حمایت خانواده و... اگر چه در ظاهر برای پیشرفت و بهبود موقعیت اجتماعی زنان بود ولی در عمل اهداف کشف حجاب را دنبال می‌کرد.

او هرگز از نیروی پلیس و ژاندارم برای ربودن حجاب و هتک عفت زنان مسلمان، کمک نگرفت و با سرنیزه به جنگ چادر و روسری نرفته‌است. اما با تبلیغات وسیع دامنه‌دار حساب‌شده و سازمان‌یافته، از طریق روزنامه‌ها، مجلات، سینماها، تلویزیون، رادیو، تئاترها و... چنان کرده بود که پوشش زن، نه فقط نشان از عقب‌ماندگی و سبب‌کننده تحرکات فردی و دست و پا گیر و مزاحم جلوه می‌کرد، بلکه عامل عقب‌ماندگی جامعه تلقی می‌شد. به گونه‌ای که این تلقینات و تبلیغات مستقیم و غیر مستقیم، در خانواده‌های مؤمن و معتقد به اسلام هم، تأثیرات انکارناپذیری بر جای نهاده بود.^۱

شاه در مواردی ضمن تجلیل از اقدامات پدرش در زمینه کشف حجاب به عقب‌نشینی از توسل به زور اشاره می‌کند.

در سال ۱۳۱۳ آموزگاران و دختران دانش‌آموز، از داشتن حجاب ممنوع شدند و افسران ارتش با زنانی که حجاب داشتند راه نمی‌رفتند. بالاخره روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ پدرم با اعلام کشف حجاب، قدم نهایی را در این راه برداشت و از مادر و خواهرانم خواست که بدون حجاب، همراه وی در یکی از جشن‌های مهم رسمی کشور حاضر شوند. جشن مزبور به مناسبت اعطای دانشنامه بانوانی که از دانشسرا فارغ‌التحصیل شده بودند، برگزار می‌شد و موقع بسیار مناسبی برای اعلام این تصمیم بود... تا آنجایی که به یاد دارم، این اولین باری بود که تاریخ جدید ایران، بانوان بدون حجاب در مراسم رسمی عمومی شرکت می‌جستند و پر واضح است که موفقیت در این آزمایش بزرگ، مرهون نیروی ابتکار پدرم و تا درجه‌ای مدیون شجاعت مادر و خواهرانم بود که در برابر رسوم کهنه

۱. فخر روحانی، همان، ص ۸۰، ۸۱.

که مورد حمایت اکثریت مردم، از جمله بسیاری از روحانیون بزرگ و رجال کشور بود، قیام کنند... متعاقب آن، پدرم دستور منع حجاب را صادر کرد. به موجب این دستور، هیچ زنی و یا دوشیزه‌ای حق پوشیدن چادر و نقاب نداشت و اگر زنی با روبنده و چادر در کوچه پیدا می‌شد، پاسبان از وی تقاضا می‌کرد که روبند خود را بردارد و اگر امتناع می‌نمود، جبرا چادر او را برمی‌داشت و تا زمانی که پدرم سلطنت می‌کرد، در سراسر کشور این منع برقرار بود. بدین‌ترتیب، ایران پس از ترکیه، دومین کشور مسلمانی بود که رسماً حجاب را ممنوع ساخت. مسأله کشف حجاب، نمونه‌ای از همان اقدامات اصلاحی بود و همین که پدرم از ایران خارج شده، در اثر پاشیدگی اوضاع در دوران جنگ، بعضی از زنان مجدداً به وضع اول خود برگشتند و از مقررات مربوط به کشف حجاب عدول کردند. ولی من و دولت من از این تخطی چشم‌پوشی کردیم و ترجیح دادیم، که این مسأله را به سیر طبیعی خویش واگذاریم و برای اجرای آن به اعمال زور متوسل نشویم.^۱

در دوران محمدرضا پهلوی اقدامات زیادی در مسیر تغییر فرهنگ ایرانیان انجام گرفت. تبلیغات داخلی و خارجی بسیاری برای این منظور صورت می‌گرفت. رواج مدل توسعه غربی، افزایش مصرف‌گرایی و تقویت بنیادهای اجتماعی متضاد با دین از اهداف این تبلیغات بود. سینما، رادیو و تلویزیون با نمایش فیلم‌ها و پخش برنامه‌هایی که صراحتاً و یا به‌طور ضمنی مخالف اسلام بود، یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی بود. مطالب مندرج در جراید و مطبوعات کشور بی‌حجابی و فساد را گسترش می‌داد و تلاش‌هایی برای عادی نمودن اختلاط زن و مرد می‌نمود. شاه و همراهانش با معرفی زنان محجبه به عنوان «مارکسیست» و «تروریست» سعی در تخریب حجاب و انزوای زنان محجبه داشتند. در دانشگاه‌های ایران تا قبل از سال ۱۳۵۰ دانشجوی محجبه دیده نمی‌شد. دختران خانواده‌های مذهبی یا نمی‌توانستند وارد دانشگاه‌ها شوند و یا اگر وارد دانشگاه می‌شدند مجبور به برداشتن حجاب خود بودند. در خاطرات

دانشجویان ایران در آن سال‌ها آمده است که مخفیانه نماز می‌خواندند و روزه می‌گرفتند. باور افزایش تعداد دختران محجبه در دانشگاه‌ها برای رژیم پهلوی سخت بود و می‌دانستند با گرایش دوباره مردم، به ویژه تحصیلکردگان، به دین و همگامی آنان با روحانیون، هر چه بیشتر به نابودی نزدیک می‌شوند.

اسدالله علم در خاطرات خود درباره افزایش تعداد دختران محجبه در دانشگاه‌ها می‌نویسد:

... شاه از من به خاطر سخنرانی دیروزم در دانشگاه پهلوی شیراز تمجید کرد، علامت نادر تأیید... به او گفتم چه استقبال گرمی از من به عمل آمده بود، ۳۰۰۰ دانشجوی در استادیوم ورزشی (دانشگاه) اجتماع کرده بودند. البته از دیدن این همه دختر با چادر وحشت کردم. در زمان خودم در مقام ریاست دانشگاه چادر کم و بیش منسوخ شده بود. هر دختری که می‌خواست آن را بر سر کند تحقیر می‌شد. لیکن در کنفرانس دیروز بیست سی نفرشان بودند. مناسب ندیدم که در آن لحظه اظهار نظری بکنم. ضمناً به من اطلاع داده شد که بعضی از این دختران از دست دادن با فرهنگ مهر، رئیس جدید دانشگاه، خودداری کرده‌اند و مدعی بودند که اسلام هر نوع تماس جسمانی را با جنس مخالف خارج از چارچوب ازدواج ممنوع کرده است. شاه خیلی اوقاتش تلخ شد...^۱

جریان‌های مرتبط با کشف حجاب نمونه‌ای از شکست دیکتاتوری پهلوی و استعمارگران همگام با آن رژیم بود. شاه در مواردی به صراحت به شکست خود و پدرش در مقابل زنان متدین ایرانی اشاره می‌کند:

شاه در اثنای بحث درباره زنان و تأثیر آنها بر خودش، به یکباره و بی‌هوا اظهار داشت، هیچ کس نباید فراموش کند که من پسر مردی هستم که در ایران چادر را از سر زنان برداشت. در اثنای بیاناتی که ارزش زنان را تنزل می‌داد، این یادآوری یک معنای ضمنی سیاسی نیز داشت. گویی شاه در تلاش به منظور کنترل ابراز خصومت خود

نسبت به زنان، اقدامات سیاسی پدر خود را به یاد می‌آورد.^۱

سال‌های کشف حجاب برای زنان ایرانی که حتی پیش از اسلام نیز با پوششی مناسب با دیگران روبه‌رو می‌شدند و با ورود اسلام به کشور حجاب را به راحتی پذیرفتند، سال‌هایی سخت بود. خاندان تهری از فرهنگ پهلوی با اجرای بی‌چون و چرای خواسته‌های استعمارگران تغییراتی جبران‌ناپذیر در فرهنگ ایرانیان به وجود آوردند. با پیروزی انقلاب اسلامی بار دیگر احکام دینی به اجرا در آمد و حجاب در ایران زنده شد ولی تبلیغات استعمار همچنان ادامه دارد، تبلیغات دامنه‌داری که گاه به دست خود ایرانیان آگاه و ناآگاه دنبال می‌شود.